

سیاست‌گذاری دفاعی، امنیتی و منطقه‌ای ایران



محمد بیدگنی

کارشناس مسائل ایران

ظرفیت ها و توانایی های کشور ایران با داشتن ویژگی های منحصر به فردی مانند وسعت زیاد، منابع طبیعی متنوع، جمعیت فراوان، موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد، توانمندی ها و ظرفیت های دفاعی واقعی است انکارناپذیر بوده و بر نقش بازیگری جمهوری اسلامی ایران در این منطقه حیاتی صحه می‌گذارد. جنگ تحمیلی برای ما آموزه راهبردی مهمی داشت و آن اینکه نیروهای مسلح باید در شرایط آمادگی دائمی بسر ببرند و هرگونه غفلت و عقب ماندگی نتیجه‌ای جز تعرض دشمن در بر نخواهد داشت. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران امروز در نگاه مردم یک نیروی مسلح توانمند، ولایی و مردمی است. نگاه‌های تنگ نظران نسبت به مطالعات امنیت ملی قطعاً جوابگوی نیازهای کنونی کشور نیست و به سردرگمی و عدم موفقیت در مبارزه و مقابله با تهدیدات پیرامونی منجر خواهد شد. هدف نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، دفاع از کشور، حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نیز حفظ دستاورد های انقلاب اسلامی در مقابل تهدید های نظامی دشمنان است. نقش راهبردی نیروهای مسلح در بستر سازی امنیت ملی زمینه ساز پیشرفت در سایه حوزه های اقتصادی، علمی، فرهنگی، اجتماعی است که از این حیث تولید و استقرار امنیت توسط نیروهای مسلح از اهمیت دوچندان برخوردار است. عامل قدرت و ارتقای همه ابعاد و وجه آن از جمله ملزومات مهم هر کشور برای دستیابی به منافع در عرصه بین المللی است. در همین راستا دارا بودن توان نظامی قدرتمند همواره و در همه حال یکی از منابع اصلی قدرت به شمار می‌رود. در واقع قدرت نظامی، شرط اساسی بقای دولت نه تنها در جنگ بلکه در زمان صلح است و آن را قادر می‌سازد تا سیاست های بازدارندگی مؤثری را دنبال کند و به توانایی های لازم برای برقراری اتحاد های مؤثر دست یابد. حفظ و ارتقاء امنیت ملی را مبتنی بر دو مولفه اساسی نیروی انسانی و تجهیزات راهبردی است که در این بین حفظ و رسیدگی به نیروی انسانی کارآمد، محرب و مومن از اهمیت و جایگاه رفیعی برخوردار است. حفظ استقلال، تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی، دفع هرگونه تجاوز و شرارت از کشور، پیشرفت و تعالی در پرورش و تربیت نیروی انسانی در تراز نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و همچنین پیشرفت علمی و به روز رساندن تجهیزات و آموزش ها در حد عالی، از جمله وظایف نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. نیروهای مسلح کشور که متولی حوزه دفاعی و امنیتی کشور هستند، به دلیل جایگاه والا و فوق العاده حساس خود باید در مقابل دشمنان و مسائل نوظهور غافلگیر نشوند و بتوانند ماموریت خطیر خود را به گونه‌ای مطلوب انجام دهند. سیاست امنیتی ایران را می‌توان برآیندی از تعامل عوامل داخلی و خارجی دانست. در رابطه با متغیرهای داخلی باید به نقش ایدئولوژی انقلاب اسلامی و منافع ملی درازمدت و تعامل احزاب کشور باهم اشاره داشت و در حوزه خارجی نیز باید توجه داشت که در منطقه خاور و نیز در کشورهای چون افغانستان، ژئوپلیتیک، سیاسی و محیط امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی سهم ویژه‌ای در شکل دهی به راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند. سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران طیف متنوعی از سازوکارهای دیپلماتیک، سیاسی، نظامی – مستشاری و اقتصادی را به منظور حفظ و گسترش نفوذ منطقه‌ای خود مورد استفاده قرار داده است. سیاست‌گذاری امنیتی کارآمد و موثر در محیط منطقه‌ای مستلزم آن است که سیاست خارجی کشور ضمن تداوم فعالیت در عرصه های میدانی، به گسترش تعامل و گفت وگوهای منطقه‌ای و بهره‌گیری از بازی های برده-برد و حفظ موازنه منطقه‌ای مطلوب، زمینه افول گفتمان منازعه‌آمیز شیعه – سنی در منطقه را فراهم آورد و فضاهایی از برداشت عدم تهدید را گسترش دهد.

خبر

جعفر قتاد باشی:

مصر می‌خواهد خود را عنوان مرکز مذاکرات و رایزنی‌ها معرفی کند

یک کارشناس مسائل غرب آسیا و مصر در رابطه با ادعای اخیر گروسی مبنی بر تحركات جدید در فعالیت‌های هسته‌ای ایران که بر اساس رصد ماهواره‌ای به آن دست یافته است و نقش مصر در گفت‌وگو با مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سیدعباس عراقچی اظهار داشت: مصری‌ها یکی از اقداماتی که به منظور کسب مشروعیت داخلی انجام می‌دهند، دیپلماسی‌ای است که تلاش می‌کند تا مصر را به عنوان یک طرف میانجی و یک طرف مؤثر در معادلات منطقه‌ای و یک طرف فعال در گسترش روابط و برقراری تفاهم‌ها معرفی کند. به عبارت دیگر، انگیزه اصلی مصری‌ها در حال حاضر این موضوع است. در مصر حکومتی وجود دارد که نتیجه یک کودتای نظامی است و در انتخابات‌هایی که برگزار شده، هیچ‌یک از این انتخابات به معنای واقعی کلمه مشروع و مورد پذیرش مردم نبوده است. جعفر قتادباشی با بیان اینکه دولت مصر به منظور تثبیت موقعیت خود و کسب مشروعیت، به طور مداوم یک دیپلماسی چند جانبه را به اجرا در می‌آورد و خود را به عنوان مرکز و محل مذاکرات و رایزنی‌ها معرفی می‌کند، چندین عیش و شادان مسئولان دیوان محاسبات کشورها که در شرم الشیخ مصر برگزار شد که نشان دهنده این موضوع است و برخی از افراد ایرانی هم در آن شرکت کردند. شرم الشیخ، محلی در مصر است که دور از جامعه مصری و اجتماعات مردمی قرار دارد. این منطقه در صحرای سینا است که می‌تواند با قرار گرفتن در مرکز توجهات رونق گردشگری هم داشته باشد.

کمال اطهارى در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

نیاز خروج از وضعیت جنگی



یک توافق مکروه با آمریکامی تواند شرایط ایران را تغییر دهد

ایران باید به سمت جهانی شدن توافقی حرکت کند

باید به سمت توسعه دموکراتیک اقتصاد دانش حرکت کرد

آرمان ملی – احسان انصاری: آیا دولت پزشکیان به روزمرگی افتاده است؟ چرا دولت در تحقق مطالبات مهم مردم ناتوان بوده است؟ تنش‌های بین‌المللی ناشی از سیاست‌های گذشته کشور به چه میزان در روند حرکت دولت پزشکیان تأثیرگذار بوده است؟ نگاه دولت پزشکیان به مقوله توسعه چگونه بوده و در این زمینه چه اقداماتی انجام داده است؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با کمال اطهارى پژوهشگر توسعه گفت‌وگو کرده است. اطهارى معتقد است: «جهانی شدن توافقی باید جایگزین جهانی شدن اجباری ایران با حضور در بازار جهانی یا تک محصول نفت یا هزینه مبادلاتی بسیار بالا در اثر تحریم گردد. برای برداشتن تحریم یا تضاد

نوآوری‌های فناورانه در نظام جهانی و در راس آنها هوش مصنوعی، در کمتر از یک دهه آینده انقلاب چهارم صنعتی را تکمیل می‌کند و کشورهایی که نتوانند با آن همراه شوند دچار عقب ماندگی خواهند شد

بزنگاه‌های تاریخی بستگی به آرایش‌های نیروها و راهبری و رهبری آنها در هر جامعه و در سطح جهانی دارد.

بخشی از چالش‌های دولت چهاردهم به دلیل تنش‌های خارجی سیاست‌های گذشته کشور بوده و دولت ناچار شده با این چالشی‌ها درگیر شود. این موضوع به چه میزان در بازده کلی دولت تأثیرگذار بوده است؟

حاکمیت ایران اگر دارای الگوی توسعه درون‌زا و برون‌نگر برای ورود به اقتصاد و جامعه دانش بود می‌توانست به عنوان مثال عضو تشکیل دهنده بریکس در همان سال ۲۰۰۹ باشد نه دنباله‌روی افتان و خیزان و بی‌نصبی قافله آن بماند. این بی‌نصبی در اساس ناشی از افراطی‌گری جناح غالب و انزواجویی جنگ طلبانه یا تضادهای غیر توسعه بخش آن با سرمایه‌داری جهانی بوده است. برآورد شده که دلار۱۶ درصد ذخایر ارزی جهان را تشکیل داده، در ۸۵ درصد معاملات بین کشورها از دلار استفاده می‌شود، ۴۵ درصد بدهی‌های خارجی کشورها و بیش از نیمی از صادرات جهان به دلار است و در واقع می‌توان گفت دلار ارزی جهان روا است. به همین دلیل ایالات متحده امکان تحریم اولیه و ثانویه هر کشوری را پیدای می‌کند به خصوص کشوری چون ایران که مجبور باشد از دلار نفتی استفاده کند. پس هژمونی پولی و مالی دلار به هیچ وجه در بلندمدت نیز خدشه اساسی نخواهد دید. به همین دلیل سودایی ابتدایی است که کشوری برای توسعه خود در جنگ رودروى اقتصادى با آن وارد شود. در چنین شرایطی اگر برای شکستن هژمونی سیاسی و نظامی آمریکا کشوری کوچک مقیاس در اقتصاد جهانی بخواهد از قرارداد های مالی بین‌المللی مانند FATF خارج شود بر شدت تحریم خود افزوده و در عمل هژمونی ایالات متحده را تقویت کرده است.

به نظر شما در ماه‌های آینده ترامپ فشارهای بیشتری به ایران اعمال خواهد کرد؟

در مورد تضادهای خارجی تلاش مقدم باید خنثی سازی خواست اسرائیل برای تداوم رابطه تخصصی ایران با آمریکا و

می‌توان گفت دلار ارزی جهان روا است. به همین دلیل ایالات متحده امکان تحریم اولیه و ثانویه هر کشوری را پیدا می‌کند به خصوص کشوری چون ایران که مجبور باشد از دلار نفتی استفاده کند

امیر علی ابوالفتح:



عمده خارجی برای توسعه پایدار ایران توافقی حتی مکروه با قطب‌های اصلی اقتصادی جهان در یک بازی برد-برد ضرورت دارد. جهانی شدن توافقی با شرکت فعال و موثر در پیمان‌هایی چون بریکس ممکن می‌شود در صورتی که حضور در این پیمان‌ها در جهت جهانی شدن توافقی باشد نه خیال و تصور به زانو درآوردن این و آن. در واقع جهانی شدن توافقی گامی ضروری برای دستیابی به مدیریت اجتماعی دموکراتیک جهانی یا فراتر رفتن از سازوکار نهادهی سازمان ملل نیز هست که اکنون در واقع تنها سازمان دول است». در ادامه محصل این گفت‌وگو رامی خوانید.

فشار حداکثری آن بر ایران باشد. این کاهش تنش از یک سو می‌تواند علاوه بر فروش نفت و فرآورده‌های آن، دریافت ایران را به زنجیره جهانی ارزش وارد و جذب مستقیم سرمایه و فناوری کند. این درست است که اعمال هژمونی سیاسی ایالات متحده در خاورمیانه منوط به وجود اسرائیل است و حمایت از آن حتی نشان می‌دهد که امکان حمایت سرمایه‌داری از کشورهای عربی را مقابل ایران نیز دارد. نکته دیگر اینکه حمایت از اسرائیل هزینه‌هایی سنگین دارد که آمریکا برای رقابت با چین و اجرای پروژه‌هایی چون فرود انسان در مریخ برای برتری در این رقابت به آن محتاج است. هزینه دیگر آن در بردن کشورهای عربی و روی آوری به رقبا از اتحادیه اروپا گرفته تا چین و روسیه است. به عبارت دیگر تضاد عمده خارجی برای توسعه ایران نه آمریکا که اسرائیل است، در شرایط کنونی ننانهاو پیمان ابراهیم و ضمیمه سازی اراضی اشغالی را برپاد رفته می‌بیند اما اجبار به تشکیل دولت فلسطینی را هم نمی‌خواهد بپذیرد. در نتیجه تمام تلاشش چون گذشته ممانعت از انعقاد قراردادی چون برجام بین ایران و آمریکا است. در تمام حاکمیت‌های دارای عقلانیت منفعت بخش در جهان جنگ ادامه یا حداقل دارای عقلانیت منفعت بخش در جهان جنگ ادامه سیاست و این یک ادامه اقتصاد و بیاری توسعه و حل تضادهای عمده داخلی است و در میان آنها تنها کل حاکمیت کره شمالی و یک جناح خاص در ایران استثنا محسوب می‌شوند که خواهان جنگ برای جنگ هستند.

چگونه می‌توان از وضعیت جنگ برای جنگ خارج شد؟ برای دستیابی به توسعه پایدار نه از جهانی شدن گریزی است و نه از ورود به اقتصاد و جامعه دانش. جهان خارج از اراده ما در مسیری تکاملی از لحاظ توسعه اقتصادی و اجتماعی پیش می‌رود که نه از آن می‌توان چشم‌پوش کرد و نه با فرمان آن تغییر داد. آنچه می‌توان و باید به انجام رساند توسعه دموکراتیک اقتصاد دانش در جهت جامعه دانش است تا توسعه قابلیت‌افزا برای تک‌تک افراد جامعه است تا امکانات و رفاه لازم برای تکامل مادی و معنوی فراهم آید. در غیر این صورت از جهانی شدن تنها زیان تغییرات اقلیمی یا همه‌گیری‌ها نصیب ایران خواهد شد. برای مدیریت تضادهای خارجی، حاکمیت ایران از یکسو و روشنفکران و فعالان جامعه مدنی از سوی دیگر باید با درس آموزی از تجربه کشورهایی چون چین و ویتنام تضاد عمده را موانعی بدانند که بر سر راه توسعه پایدار دموکراتیک ایران در جهت دستیابی و بالندگی اقتصاد و جامعه دانش است. از شروط اصلی این دستیابی و بالندگی ورود موفق به زنجیره جهانی ارزش با کالاهای دانش‌پر به جای تک محصول نفت است که باید توام با تکمیل زنجیره ارزش داخلی به طور مکمل یکدیگر انجام پذیرد. در این راه گام نخست تا رسیدن به مدیریت اجتماعی جهانی، جهانی شدن توافقی است. جهانی شدن توافقی باید جایگزین جهانی شدن اجباری ایران با حضور در بازار جهانی با تک محصول نفت با هزینه مبادلاتی بسیار بالا در اثر تحریم گردد. برای برداشتن تحریم یا تضاد عمده خارجی برای توسعه پایدار ایران توافقی حتی مکروه با قطب‌های اصلی اقتصادی جهان در یک بازی برد-برد ضرورت دارد. جهانی شدن توافقی با شرکت فعال و موثر در پیمان‌هایی چون بریکس ممکن می‌شود در صورتی که حضور در این پیمان‌ها در جهت جهانی شدن توافقی باشد نه تصور به زانو درآوردن این و آن. در واقع جهانی شدن توافقی گامی ضروری برای دستیابی به مدیریت اجتماعی دموکراتیک جهانی یا فراتر رفتن از سازوکار نهادهی سازمان ملل نیز هست که اکنون در واقع تنها سازمان دول است. سازوکار نهادهی اتحادیه اروپا با تشکیل پارلمان و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا می‌تواند نوعی الگو برای تکمیل یا فراتر رفتن از جهانی شدن توافقی باشد.

حرف‌های گروسی درباره برنامه هسته‌ای ایران اهمیتی ندارد

است. این تحلیلگر مسائل سیاسی یادآور شد: گروسی مدیرکل آژانس است که به شدت تحت نفوذ غرب مخصوصاً آمریکا قرار دارد. اگر روابط ایران و غرب مثبت شود، گروسی حرف‌های خوب خواهد زد. وقتی ما می‌دانیم آمریکا و اسرائیل چه کار می‌خواهند انجام دهند خیلی دیگر اهمیت ندارد این وسط گروسی چه حرفی درباره برنامه هسته‌ای ما می‌زند.

گزارش

۳ پالس هشدار به آینده ایران

تحلیل دقیق وضعیت کنونی و خوانش روندهای آتی، یکی از موضوعات مهم در امر حکمرانی هر کشور و جامعه‌ای است. این مساله به قدری از اهمیت راهبردی برخوردار است که رشته‌ای تحت عنوان آینده‌پژوهشی در نظام دانشگاهی بین‌المللی ایجاد شده و در قالب آن سعی می‌شود روندهای آتی در حوزه حکمرانی هر کشور، اراک، و بسترهای مساعد برای حل مشکلات و چالش‌ها، از همین حالا فراهم شود. جامعه ایران نیز مستثنی از این قاعده نیست و واکاوی وضعیت کنونی و ارائه پیش‌بینی در مورد آینده از سوی صاحب نظران، یکی از حوزه‌های جذاب در عرصه پژوهش و البته برای افکار عمومی است. از این رو، اینطور به نظر می‌رسد که ایران حداقل در ۳ حوزه، با پالس‌های هشدار روبه‌رو است که از همین حالا باید برای آنها برنامه‌ریزی شود.

روند صعودی تورم

به تازگی شاهد انتشار گزارش مرکز آمار ایران و به طور خاص تداوم روند صعودی قیمت مواد غذایی بوده‌ایم. در عین حال، گزارش‌های مختلف حاکی از این هستند که ایران در حداقل ۴ سال اخیر با نرخ تورم بالا روبه‌رو بوده که این مساله به نوبه خود سبب شده تا درآمد طیف‌های قابل‌ملاحظه‌ای از مردم ایران از نرخ تورم عقب بمانند و طبیعتاً استانداردهای زندگی آنها تضعیف شود. این روند مخصوصاً با توجه به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و تشدید فضای امنیتی در محیط پیرامونی ایران، ابعاد تازه‌ای را به خود می‌گیرد. برخی ناظران و تحلیلگران معتقدند جدی‌ترین تهدید برای ایران در آینده، برنامه‌ای است که دشمن پس از جنگ ۱۲ روزه، برنامه‌ای جدی برای دربرخز نگه‌داشتن اقتصاد ایران دارد. دستورکاری که هدف نهایی آن تحریک اعتراضات عمومی در ایران است. این در حالی است که تهران در واکنش به این دستورکار، توسعه پیوندها با طیف قدرت‌های شرقی را در دستورکار قرار داده است. با این همه، بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی ایران امروز را باید در داخل جست‌وجو کرد. از این رو، اگر چهارچوب‌های اقتصادی در ایران چه از منظر ارتقا حکمرانی و چه رفع موانع خارجی در قالب جنگ اقتصادی تحمیلی به کشور، بهبود نیابند، می‌توان به صورت طبیعی انتظار داشت که نرخ تورم در ایران صعودی تر هم شود. مساله‌ای که می‌تواند ابعاد سیاسی و اجتماعی و امنیتی پیدا کند. فقیرتر شدن جامعه که همین حالانیز زندگی را برای شمار قابل توجهی از مردم سخت کرده، موضوعی نیست که تبعات آن صرفاً به حوزه اقتصادی محدود بماند.

نسل‌زار در ادبیات

هرم جمعیتی ایران سال‌هاست که جوان است و نوجوانان و جوانان بخش قابل‌ملاحظه‌ای از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که به نظر می‌رسد هنوز آنطور که باید و حسابی، نسل‌زار ایرانی را درک نکرده‌ایم و برای آنها برنامه نداریم. پیشرفت‌های فناورانه و تغییرات جامع به قدری سریع بوده‌اند که حتی در بسیاری از کشورهای پیشرفته این گزاره گفته می‌شود که نسل‌های جدید به سرعت پوست می‌اندازند و باید زیان و جهان‌بینی ایرانی‌ها را درک و متناسب با آن برایشان برنامه‌ریزی شود. با این حال، چالش اصلی این است که از منظر حکمرانی در حوزه ارتباط با جوانان در ایران دچار نوعی تاخیر تاریخی هستیم و گویی نقصیات آنها را آنطور که باید و شاید متوجه نیستیم. موضوعی که شاید یکی از عینی‌ترین نمونه‌های خود را در محیط مدرسه و جنس ارتباط معلمان و دانش‌آموزان به نمایش بگذارد. با راه‌حل‌های سنتی نمی‌توان به مواجهه با نسل‌Z و نوجوانان و جوانان ایرانی رفت. باید برای آنها برنامه داشت و اگر چنین نباشد، کاملاً طبیعی است که بازیگران خارجی برای آنها برنامه‌ریزی کنند. موضوعی که به هیچ عنوان در راستای منافع و امنیت ملی ایران نیست.

معمای تصویر آینده

طیف متنوعی از مسائل نظیر چالش‌های اقتصادی، متغیرهای اجتماعی، رضایتی‌های سیاسی و غیره، سبب شده‌اند تا جامعه ایرانی بعضاً نسبت به آینده تصویر روشنی نداشته باشد و طیف‌هایی از مردم احساس سرخوردگی پیدا کنند. در حقیقت، بخشی از مردم شاید این تصور را داشته باشند که آینده‌ای روشن ندارند و صرفاً افراطی بقادر حال تلاش و فعالیت خواهند. این تصویر باید شکسته شود و امید واقعی به مردم تزریق شود. آنها باید آینده خود را روشن ببینند. وقتی تصویر آینده برای افراد مبهم و تیره باشد، اینکه ببینیم روند مهاجرت از کشور باالاست یا آمارهای خودشکی نامطلوب است و همچنین توجه به وضعیت بهداشت و درمان پایین است و مثلاً فرزندآوری کاهش می‌یابد و با طلاق افزایش پیدا می‌کند، به هیچ عنوان گزاره‌های عجیبی نیستند. این وظیفه دولت‌نمرد و سیاستمدار ایرانی است که بسترهایی را فراهم سازد که مردم در قالب آنها، آینده خود را روشن ببینند و برای آن تلاش کنند. این مساله حداقل در وضعیت کنونی آنطور که باید و شاید قابل مشاهده نیست. درست به همین دلیل است که برای بادی آن برنامه‌ریزی شود و جریان حکمرانی نباید صرفاً در مقام آتش‌نشان رفتار کند و وقتی جایی آتش گرفت وارد عمل شود و ابعاد بحران را مهار کند، بلکه دولت باید دوراندیش باشد و برای آینده برنامه‌های عینی و عملیاتی داشته باشد. برنامه‌هایی که مردم را امیدوار و آینده کشور را آباد کنند.